

مبانی تربیتی و روان‌شناسی تخریب میراث فرهنگی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۶)

بهمن رحیمی^۱

نادر آقاسیدجواد اسلام^۲

چکیده

وندالیسم در معنا و مفهوم علمی آن، تخریب اموال عمومی در سطح گسترده است؛ این تخریب می‌تواند اموال منقول یا غیرمنقول را دربرگیرد. اما درخصوص میراث فرهنگی، هرگونه تخریب و آسیب است که به صورت‌ها و یادمان‌های مادی و غیرمادی فرهنگی وارد می‌شود. در این میان، جایگاه مظاهر مادی فرهنگی نظیر بناها، مجموعه‌ها و آثار و محوطه‌های باستانی - تاریخی شناخته‌شده‌تر از صورت‌های میراث غیرمادی (معنوی) فرهنگی است. از دیدگاه علوم تربیتی، هر رفتار مثبت و منفی اجتماعی، متضمن تاریخچه‌ای روانکاوانه و گذشته‌مدار است؛ از جمله رفتارهای مورد توجه در این حوزه می‌توان به تخریب اموال عمومی و بویژه تخریب‌گرایی میراث فرهنگی اشاره کرد. مطالعه شیوه‌ها، انگیزه‌ها و چگونگی تخریب‌گرایی میراث فرهنگی، حاکی از آن است که علاوه بر ناراحتی‌ها و کمبودهای روحی و روانی، کاستی‌های تربیتی نیز که از محیط خانواده آغاز می‌شود، تا پایان دوره بلوغ و حتی پس از آن می‌تواند عاملی موثر برای توجیه رفتار افراد در این حوزه باشد. داده‌های مطالعه حاضر به روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری و مصادیق مرتبط با تخریب میراث فرهنگی به صورت میدانی و با تکنیک عکسبرداری احصا شده است. در این مقاله، ضمن پرداختن به دلایل و مبانی تربیتی و روان‌شناسی تخریب‌گرایی (وندالیسم) در میراث فرهنگی، راهکارهایی برای پیشگیری در این حوزه ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: مبانی تربیتی، میراث فرهنگی، وندالیسم، تخریب‌گرایی.

۱. کارشناسی ارشد مردم‌شناسی و پژوهشگر پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، (نویسنده مسئول)، رایانامه:

bahmannic@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد ایران‌شناسی و پژوهشگر پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. رایانامه:

nader eslam@gmail.com

۱. مقدمه

یادگاری نویسی روی بناهای تاریخی، نوعی وندالیسم یا همان آسیب‌رسانی به میراث فرهنگی است که در کشور ما به واسطه گستردگی و تعداد زیاد بناهای باستانی، بیشتر به چشم می‌آید و باید راهی برای مقابله با آن یافت. اگر از آثار و بناهای تاریخی و باستانی حتی برای یکبار هم دیدن کرده باشید به طور قطع، با یادگاری‌ها و تاریخ‌های متفاوت مواجه شده‌اید. پدیده‌ای که امروزه تحت عنوان وندالیسم از آن نام می‌برند. در واقع، وندالیسم به معنای تخریب کنترل‌نشده اشیا و آثار فرهنگی با ارزش یا اموال عمومی است که نوعی ناهنجاری اجتماعی به حساب می‌آید و دلایل متعددی برای آن عنوان می‌کنند. در این میان، پرسشی که مطرح می‌شود، این است که آیا همه افرادی که روی آثار تاریخی و باستانی یادگاری می‌نویسند دچار ناهنجاری روانی هستند و یا این موضوع دلایل دیگری نیز دارد. این پرسشی است که جامعه‌شناسان و روان‌شناسان باید به آن پاسخ دهند. یادگاری نویسی روی آثار تاریخی، در چارچوب پدیده‌ای جای می‌گیرد که امروزه تحت عنوان وندالیسم از آن یاد می‌کنند. وندالیسم به معنای تخریب کنترل نشده آثار فرهنگی با ارزش یا اموال عمومی است که نوعی ناهنجاری اجتماعی به شمار می‌رود.

تجربه چندین ماهه نویسنده در مجموعه فرهنگی و تاریخی ارگ کریمخانی شیراز نشان داد که بیشترین رفتارهای وندالی مربوط به گروه‌های خانوادگی است؛ خانواده‌هایی که دارای چندین فرزند کودک و نوجوان بودند و آموزشی به آنان در خصوص ارزش‌های فرهنگی و تاریخی داده نشده بود؛ به دلیل، همین کاستی و گاه کنترل نشدن از سوی والدین، فرزندان دست به رفتارهای آسیب‌زا به مجموعه فرهنگی و تاریخی می‌زدند. دلیل دیگر اینکه برخی از این خانواده‌ها جزء عشایر اطراف شیراز بودند و بیشتر زمان خود را با توجه به زندگی ایلی، در طبیعت سپری می‌کردند و آموزه‌هایشان به فرزندان، مربوط به فضاهای طبیعی بود. چنین مشاهداتی موجب شد این تخریب میراث فرهنگی، نه از جنبه سیاست‌گذاری فرهنگی که از منظر تربیتی و روان‌شناسی خانواده‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

مبانی تربیتی و روان‌شناسی تخریب میراث فرهنگی ❖ ۱۳۵

در ادامه مهم‌ترین کلیدواژه‌های مفهومی این مقاله بررسی می‌شوند.

وندالیسم: وندالیسم مشتق از واژه وندال، نام قومی از اقوام ژرمن - اسلاو است که در سده پنجم میلادی در سرزمین‌هایی واقع در میان دو رودخانه اودر و ویستول زندگی می‌کردند. روحیه ویرانگرانه قوم وندال سبب شده است که در مباحث آسیب‌شناسی، کلیه رفتارهای بزهکارانه‌ای که به منظور تخریب آگاهانه اموال، اشیاء و متعلقات عمومی و نیز نابودی آثار تاریخی - هنری و یا دشمنی با علم و صنعت و آثار تمدن صورت می‌گیرد، به گونه‌ای به وندالیسم منتسب شود (تبریزی؛ ۱۳۸۳: ۲۱). پاتریس ژانورن در وجه تسمیه واژه و تاریخچه وندالیسم می‌نویسد: «روزگاری در سرزمین‌های واقع در میان دو رودخانه بزرگ اودر و ویستول قومی به نام وندال زندگی می‌کرد. در عهد سلطنت یکی از پادشاهان این قوم به نام ژانسریک یا گنسریک که از ۴۲۸ تا ۴۷۷ میلادی سلطنت می‌کرده است، وندال‌ها که پیش‌تر سرزمین‌های گل (فرانسه امروز) و اسپانیا را به تصرف خود درآورده بودند، به متصرفات روم در افریقا حمله کرده کارتاژ را گرفته و بر مدیترانه مستولی گردیدند. آنان بر سر راه خود از آبادی و آبادانی هر چه دیدند نابود و تاراج کرده چیزی برجای باقی نهداند. همین شهرت تاریخی سبب شده است که امروزه وندالیسم را به معنی ویرانگری، وحشیگری و خرابکاری به کار برند» (پاتریس ژانورن، ۱۳۶۷: ۲۸). به طور کلی، عوامل انسانی تخریب‌گرایی میراث فرهنگی عبارت‌اند از: یادگاری نویسی، سرقت به منظور سودجویی، خرابکاری و مواد شیمیایی کارخانه‌ها. به این ترتیب، این عوامل انسانی به عنوان وندال‌ها هستند که همواره بر اثر تحولات اجتماعی موجب تخریب آثار فراوانی شده‌اند.

تربیت: تربیت در اصطلاح، عبارت از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل، برای به فعلیت‌رساندن و شکوفا کردن استعدادهای انسان در جهت مطلوب است. (حسن‌بگلو، ۱۳۸۰: ۱۵) همچنین هدایت و اداره جریان ارتقایی و تکاملی بشر با ایجاد هیئت‌ی تازه در فرد به منظور فراهم آوردن زمینه لازم برای رشد و تکامل همه‌جانبه (قائم‌ی، ۱۳۷۹: ۸۱). تربیت از نظر لغوی به معنای «پروردن، پروراندن، پرورش دادن ادب و اخلاق به کسی یاد دادن» است. (معین ذیل واژه تربیت) جان استوارت میل، تربیت را

۱۳۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

هر تأثیری می‌داند که آدمی در معرض آن است. تفاوت نمی‌کند آبشخور آن اثرگذاری، شیء، شخص و یا جامعه باشد. (رفیعی، ۱۳۹۳: ۹۰). امیل دورکیم از تربیت، اجتماعی شدن انسان را می‌خواهد و دیدگاهش بر اصل «وجدان جمعی» استوار است. از نگاه وی، تربیت آن کارکردی است که طی آن، نسل بالغ، رسیده و تربیت یافته، بر نسلی که هنوز برای زندگی به اندازه کافی پختگی نیافته است، اثر می‌گذارد و هدف از آن، برانگیختن و گسترش حالات جسمی، عقلی و اخلاقی متربی است. (همان: ۹۱). ایجاد تربیت فرهنگی برای افرادی که اقدام به تخریب اموال دولتی و میراث فرهنگی می‌کنند، اجرای صحیح اصول تربیتی لازم است چرا که این افراد به صورت آنی، اقدام به تخریب نکرده‌اند و پس از اجرای تخریبات کوچک، دست به تخریبات بزرگ‌تر زده‌اند. از این‌رو، در امر تربیت نیز باید از مراحل پایین‌تر اقدام کرد تا در درازمدت نتایج والاتری به دست آید.

میراث فرهنگی: در نگاهی کلی می‌توان گفت؛ میراث فرهنگی اصطلاحی است که مراد از آن، آثاری است منقول و غیرمنقول، مادی و معنوی، با نمود فیزیکی و قابل ادراک با حواس و حامل ارزش‌های علمی، واجد قدمت و نمایانگر تحولات زندگی انسانی که رد پای انسان را با خود به همراه دارد. میراث فرهنگی به تمام آنچه از گذشته به جای مانده و واجد ارزش‌های فرهنگی است، اطلاق می‌شود. میراث فرهنگی انواع مختلفی دارد و بدیهی است که روز به روز بر ارزش آن افزوده می‌شود. آثاری را که در زمره میراث فرهنگی قرار می‌گیرند؛ به دو دسته تقسیم می‌کنند.

آثار ملموس: تمام بناهایی که قابل لمس هستند، بناهای باستانی
آثار ناملموس: مانند آداب و رسوم یک منطقه که به عنوان بخشی از میراث فرهنگی آنان به شمار می‌رود.

انواع میراث فرهنگی: همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، میراث فرهنگی را به دو دسته ملموس و ناملموس تقسیم‌بندی کرده‌اند.

میراث ملموس: میراثی که جنبه فیزیکی دارد؛ مانند بناها و مکان‌های تاریخی. تمام آثار باستانی، مجسمه‌ها، کتاب‌ها، اسناد، آثار هنری، ماشین‌ها و دیگر ساخته‌های دست

مبانی تربیتی و روان‌شناسی تخریب میراث فرهنگی ❖ ۱۳۷

بشر در این دسته قرار می‌گیرند. میراث فرهنگی ملموس در خود به دو دسته تقسیم می‌شود:

میراث فرهنگی منقول: قابل جابه‌جایی به مکان‌های دیگر است.

میراث فرهنگی غیرمنقول: قابل انتقال به مکان‌های دیگر نیست.

میان آثار منقول و غیرمنقول، تفاوت‌هایی وجود داشته که امروزه مرز میان آن کم‌رنگ شده است اهل زیر فن در صدد یکپارچه‌سازی تمام جنبه‌های میراث فرهنگی هستند. میراث فرهنگی ناملموس: این دسته به تمام میراث گذشته‌ای اطلاق می‌شود که قابل لمس نیست. منظور از این دسته، در اغلب موارد، آداب و رسوم یک منطقه است. هنرهای نمایشی می‌تواند بخشی از میراث فرهنگی یک ملت به حساب آید. تاریخ شفاهی و فولکلور نیز بخشی از میراث فرهنگی است. در کنار این انواع، میراث طبیعی، خود جزئی از میراث فرهنگی به شمار می‌رود؛ تنوع زیستی، حیات وحش و جنگل‌های خاص از مواردی هستند که بسیاری از گردشگران به آن علاقه دارند. (حجت، ۱۳۸۰: ۸۵ - ۷۹)

۲. پیشینه پژوهش

وندالیسم از موضوعاتی است که آثار بی‌شماری در پیشینه پژوهشی آن وجود دارد و پژوهشگران از زوایای مختلف این پدیده را بررسی کرده‌اند. محسن تبریزی (۱۳۷۹) مبانی نظری این پدیده را براساس نظریه‌های احجاف، میل به خشونت و ناکامی مورد بررسی قرار داده است. برخی پژوهشگران مانند قنبری و همکاران (۱۳۹۵) و (سجادی و ضرغامی) این پدیده را در ارتباط با مبلمان شهری و نیز تخریب فضاهای عمومی واکاوی کرده‌اند. وندالیسم و اوباشگری در ورزش بویژه فوتبال از موضوعات مورد علاقه پژوهشگران بوده است قاسمی و همکاران (۱۳۸۸) با نگاه جامعه‌شناختی به این مسئله نگریده‌اند. برخی مانند ژانورن (۱۳۶۷) و محسن تبریزی (۱۳۸۳) این مسئله را با رویکرد روان‌شناسی اجتماعی و زیستی بررسی کرده است با این حال آثار کمی به طور خاص تخریب میراث فرهنگی را در ارتباط با وندالیسم بررسی کرده‌اند که از این دیدگاه، مقاله پیش‌رو تازگی دارد.

۳. چارچوب نظری

برخی از صاحب‌نظران معتقدند که وندالیسم یا تخریب‌گرایی، با صنعتی شدن جوامع، گسترش شهرنشینی و رشد فردگرایی مطرح شده است (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۹۸). به عبارت دیگر «با تغییر ساختارها و مناسبات اجتماعی، باید‌ها و نباید‌ها، ارزش و اهداف فرهنگی و نحوه برداشت، طرز تلقی و ارزیابی‌های افراد نیز متحول و دگرگون شده‌اند. این خود، نه تنها اشکال و انواع جدیدی از نابهنجاری را پدید آورده است بلکه میزان شیوع و رواج و نیز معنی و مفهوم آن را تغییر داده است.» واژه وندالیسم از دو جزء وندال و ایسم ترکیب یافته است. در تعاریف جامعه‌شناسانه، وندال به شخصی اطلاق می‌شود که از روی حماقت یا بدجنسی اموال هنری یا همگانی را تخریب کند. ایسم پسوند گرایش به مکتب فکری یا سیستم عملی است. «شهروندان هنگامی که با میل به اموال دیگران یا اموال عمومی صدمه می‌زنند یا آنها را از بین می‌برند عمل وندالیستی را انجام می‌دهند. برخی از وندالیسم به عنوان یک مسئله بغرنج فرهنگی نام می‌برند که در خاستگاه خود عملی هنری محسوب می‌شود و بدون اجازه صاحب مال و به طور غیرقانونی انجام می‌شود.» (تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۳). لغت‌نامه اکسفورد (۱۹۸۷) وندالیسم را مشخصه وندال‌ها^۱ می‌داند. وندال‌ها کسانی هستند که از روی میل و رغبت و به طور عمدی، آثار هنری عمومی و خصوصی را از بین می‌برند و طبیعت را خراب می‌کنند. در فرهنگ واژه‌های مکتب سیاسی، فلسفی، هنری و ادبی، وندالیسم تمایل شخصی به محو آثار هنری یا خراب کردن آنها و چیزهایی که اصولاً دارای ارزش هستند تعریف شده است (خدایار، ۱۳۶۷: ۵۳۲). وندالیسم به یک معنا، تخلیه روانی است. در حقیقت، وندال کسی است که از نوعی خشم درونی رنج می‌برد. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، وندالیسم نوعی تلافی و یا انتقام‌جویی است که تخریب اموال عمومی و محیط‌زیست، عمده‌ترین حاصل آن است، آنان بر این باورند که هر چند وندالیسم ریشه در بیماری‌های روانی افراد و ناکامی‌هایشان دارد، تخریب اموال عمومی نوعی انتقام‌جویی در برابر کمبودهای رفاهی و اجتماعی است. به این معنی که وقتی

1. vandal

مبانی تربیتی و روان‌شناسی تخریب میراث فرهنگی ❖ ۱۳۹

رفاه اجتماعی و ارائه خدمات مورد انتظار ضعیف است، افراد خود را برای حفظ آنچه اموال عمومی نامیده می‌شود، مسئول نمی‌دانند. وندالیسم از نبود کنترل بر هیجان‌ناشی می‌شود اما نارسایی در خدمات رفاهی شهری می‌تواند آن را تشدید کند. البته در این زمینه، وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افراد نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. طبق مطالعات صورت گرفته، وندالیسم بین افراد بیکار و جوانان، بیش از سایرین گسترش دارد. برت لاند وندالیسم را خراب کردن اموال عمومی یا خصوصی از طریق بی‌ریخت کردن یا ناقص کردن آنها بدون رضایت صاحب یا سازنده آن تعریف می‌کند (برت لاند، ۱۹۷۳: ۱۵۶ به نقل از توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۳۳). او نمونه‌های وندالیسم را این‌گونه برمی‌شمرد: شکستن پنجره‌ها، از بین بردن مدارک مدرسه، ناقص کردن متعلقات مدرسه نظیر میزها، به سرقت بردن علائم راهنمایی و رانندگی در خیابان‌ها و بزرگراه‌ها، پنجره کردن تایرها، از بین بردن گل‌ها و بوته‌ها در پارک‌ها، ایجاد تغییرات در لاک و مهر و محتوای کامیون‌ها و واگن‌های باربری قطارها، خراب کردن دستشویی‌های عمومی، پاره کردن تسهیلات رستوران‌ها و استفاده از اسپری رنگ یا ابزارهای نگارش روی دیوارها و ساختمان‌های شهر. (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۳۴)

وندالیسم ممکن است عوامل مختلفی داشته باشد که در اینجا به گوشه‌ای از آنها اشاره می‌شود: ممکن است این پدیده ناشی از هم‌رنگی با جماعت باشد. افرادی که دارای اختلال رفتاری هستند در مواردی، با مشاهده رفتار دیگران تشویق می‌شوند که بدون دلیل منطقی آن را تکرار کنند. برای مثال، با دیدن یک نوشته روی صندلی به صورت خودآگاه ترغیب می‌شوند که مطلب تکمیلی یا پاسخی برای آن بنویسند (همان: ۲۳۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که وندالیسم به صورت گروهی و با همراهی و مشارکت اعضای یک باند خرابکار انجام می‌پذیرد و با بروز خشم علیه یک مرجع قدرت گره‌خورده است. بنابراین، وجود همسالان منحرف در ایجاد این پدیده مؤثر است. همچنین ثابت شده است که وندالیسم با جنس رابطه دارد. به طوری که بین نوجوانان پسر شایع‌تر از دختران است همچنین در بین افراد ترسو کمتر مشاهده می‌شود زیرا این عمل اغلب با شجاعت، جسارت و طیب خاطر انجام می‌پذیرد. وندال‌ها یا

۱۴۰. فصلنامه فرهنگ مردم ایران

تخریب‌گران، اغلب کارشان را به نوعی توجیه می‌کنند و خود را افرادی شوخ‌طبع می‌دانند و عمل خرابکاری را مسئله‌ای جدی تلقی نمی‌کنند (همان: ۲۳۶). از دیدگاه روان‌شناسان اجتماعی، وندالیسم نوعی تخلیه روانی است و در حقیقت، وندال شخصی است که از نوعی خشم درونی رنج می‌برد. آنان بر این باورند که وندالیسم، گونه‌ای از تلافی یا انتقام‌جویی است. در دیدگاه جامعه‌شناسانه نظریات متعددی از وندالیسم مطرح شده است. کوئن جامعه‌شناس آلمانی، رهیافت‌هایی را در تبیین رفتار انحراف‌آمیز بر حسب اجتماعی شدن ناقص مطرح می‌سازد؛ «طبق یکی از این رهیافت‌ها، فردی که درست اجتماعی نشده است هنجارهای فرهنگی را در شخصیت خود عجزین نمی‌سازد و لذا نمی‌تواند بین رفتار شایست و ناشایست تمایز قائل شود.» (کوئن، ۱۳۷۱: ۲۱۴)

۴. بحث و بررسی

در این بخش، ضمن اشاره به تاریخچه وندالیسم و دلایل بروز رفتارهای تخریب‌گرایی، انواع تخریب‌های رایج مورد بررسی قرار می‌گیرد و طی آن به پیشینه و انگیزه‌های یادگیری نویسی پرداخته می‌شود.

۴-۱. دلایل رفتارهای تخریب‌گرایی

صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی، موجب رشد فردگرایی و بیگانگی می‌شود و این امر تمایل افراد را به مورد توجه قرار گرفتن برمی‌انگیزد. در شرایطی که همبستگی متقابل فرد و جامعه از میان می‌رود و فرد نمی‌تواند به کمک سازوکارها و ابزارهایی که جامعه در اختیارش قرار می‌دهد، به اهدافش دست یابد، سعی می‌کند از راه‌های دیگری که خلاف قوانین جامعه است، به اهداف خود برسد. در نتیجه فرد نابهنجار می‌شود و وقتی این حالت به صورت عام در جامعه شیوع پیدا می‌کند، می‌گوییم که جامعه دچار آنومی یا نابسامانی شده است به عبارتی، با از بین رفتن یا ضعیف شدن ارزش‌ها و هنجارها، اعضای جامعه، دیگر ارزش‌ها و اهداف مشترکی را قبول ندارند. به نظر مورتون، بی‌هنجاری هنگامی به وقوع می‌پیوندد که فرد قادر نباشد با وسایلی که جامعه

مبانی تربیتی و روان‌شناسی تخریب میراث فرهنگی ❖ ۱۴۱

مشخص کرده به اهداف خود دست یابد روی آوردن به این انحراف است. (فرجاد، ۱۳۸۲: ۱۲). حال اگر افراد بتوانند مفید بودن خود را اثبات کنند، مشارکت اجتماعی در جامعه گسترش پیدا خواهد کرد. در غیر این صورت، ممکن است ناکام و سرخورده شوند و برای رسیدن به هدف خود به دو شکل واکنش نشان دهند: یا انزوا و گوشه‌گیری در پیش گیرند و با جامعه بیگانه شوند و یا برای جلب توجه، به اعمال انحرافی همچون تخریب اموال عمومی روی آورند. بنابراین اگر نسلی خواستار مشارکت در امور جامعه باشد ولی امکان این کار برای او فراهم نشده باشد ممکن است برای جلب نظر دیگران دست به اعمالی بزند که در نهایت به جامعه آسیب رساند. تخریب اموال عمومی از معضلات اجتماعی و فرهنگی حال حاضر جامعه ایران است. یکی از مهم‌ترین عوامل وندالیسم، نبود مشارکت اجتماعی در میان مردم است. در جامعه ما از آنجا که مردم خود را در حل مسائل اجتماعی شریک نمی‌دانند، از دوران کودکی به طور غیرمستقیم یاد می‌گیرند در مقابل آنچه بیرون از خانه رخ می‌دهد، مسئولیتی نداشته باشند. در واقع کودکان در همان سال‌های اولیه زندگی می‌بینند که پدر و مادر یا بزرگ‌ترها اموال عمومی را تخریب می‌کنند و مؤاخذه هم نمی‌شوند، به مرور، تخریب اموال عمومی زشتی خودش را از دست می‌دهد. به خصوص که از نظر فرهنگی و آموزشی نیز تا امروز حرکتی در راه جامعه‌پذیری یا آموزش پیشگیری از تخریب اموال عمومی صورت نگرفته است. در حقیقت، آموزش کودکان در مدارس و نیز آموزش همگانی برای مقابله با وندالیسم در جامعه ما، کمتر مورد توجه بوده و هیچ راهکار اصولی برای حل یا کاهش این مسئله اجتماعی اندیشیده نشده است. عامل دیگر، نبود رابطه نزدیک و قابل اعتماد بین شهروندان و دولت است که باعث می‌شود افراد خود را در امور شهری شریک و مسئول ندانند. در واقع شهروندان تصور می‌کنند آن اندازه که بابت خدمات رفاهی هزینه می‌پردازند، خدمات دریافت نمی‌کنند و به این ترتیب، با اقدام به تخریب و نپذیرفتن مسئولیت، خود را از دولت جدا می‌کنند (مقصودی، ۱۳۸۳: ۲۷۴). کج‌روی و ناهنجاری، بر حسب تعاریف جوامع و نوع فرهنگ‌ها نسبی است. یعنی آنچه را یک فرهنگ، بی‌هنجاری یا انحراف تلقی می‌کند و مستوجب کیفر می‌داند، ممکن است در فرهنگ یا جامعه‌ای دیگر، کج‌رفتاری یا انحراف

۱۴۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

به شمار نیاید. شرب خمر در برخی فرهنگ‌ها و جوامع، عملی ناهنجار تلقی نمی‌شود حال آنکه چنین رفتاری در بعضی فرهنگ‌ها یا آئین‌ها ممنوع است. به غیر از مصرف و اسراف، یک عنصر دیگر در نظام فرهنگی و مصرفی ما، تخریب است. او دلایل این امر را نظام نابرابر اجتماعی، تحقیرهای مفرط و روش‌های استبدادی تربیت و آموزش می‌داند که به خودی خود، میزان پرخاشگری را به قدری بالا می‌برند که افراد و به خصوص جوانان فقط در هنگام برآورده نشدن نیازهایشان واکنش‌های پرخاشگرانه و خشن از خود بروز نمی‌دهند بلکه در شرایط عادی نیز تمایل و علاقه قابل توجهی به تخریب پیدا می‌کنند. برای نمونه، او از تشک‌های پاره شده در اتوبوس‌ها، بیرون انداختن و پاره کردن کتاب‌های درسی بعد از امتحانات و شکستن شیشه‌های منازل یا چراغ‌های کوچه‌ها توسط بچه‌های شیطان یاد می‌کند (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۳۳۷). اگر تخریب و روش‌های مخرب دیگر در بین افراد جامعه به صورت یک ارزش مثبت درآید یا نوعی زرنگی محسوب شود؛ چون درونی و نهادینه شده است، امکان تغییر یا از بین بردن آن بسیار دشوار می‌شود. به نظر او، نمایش فیلم‌های تخریب‌کننده و پرخاشگرانه در کشورهای جهان سوم به این فرهنگ دامن می‌زند به طوری که حتی این عناصر به نسل‌های بعد، منتقل و در میان آنان تکثیر می‌شود. (همان). دیوان‌نویسی نیز از جمله اعمال تخریبی است که به اموال و سرمایه ملی صدمه می‌زند هر چند سابقه این پدیده به دوران غارنشینی برمی‌گردد، شکل جدید آن در دوران انقلاب صنعتی در جوامع غربی مشاهده شده است. در واقع زمانی که نابرابری‌ها و تبعیض‌ها به بالاترین حد خود رسید، افراد سعی کردند خواسته‌ها و شعارهایشان را بر روی دیوارها درج کنند تا اگر به خواسته‌های خود دست پیدا نکردند، حداقل فشارهای روانی و ذهنی خود را تخلیه کرده باشند. در ایران نیز نخستین دیوان‌نویسی‌ها در عصر مشروطه رخ داد. هر چند که بیشتر جنبه تبلیغاتی و سیاسی داشت تا تخریب. امروزه مطالبات اجتماعی و شعارهای سیاسی جای دیوان‌نویسی‌های قبلی را گرفته‌اند (سیستانی، ۱۳۷۹: ۴). تخریب‌گرایی پدیده بیمارگونه‌ای است که در اغلب جوامع شهری و بویژه، مناطق رو به توسعه‌ای که مهاجرپذیری، انبوهی، تراکم و ناهمگونی بافت جمعیت از

مبانی تربیتی و روان‌شناسی تخریب میراث فرهنگی ❖ ۱۴۳

خصیصه‌های مهم آنها به شمار می‌رود، به چشم می‌خورد. نمونه‌های آن تخریب و آسیب‌رسانی آگاهانه به تأسیسات، اموال و متعلقات عمومی است.

به این ترتیب، رفتارهای وندالیستی و تخریبی را می‌توان به شکل‌های مختلف طبقه‌بندی کرد. وندالیسم اقتصادی، با هدف مال‌اندوزی انجام می‌گیرد و کندن، حفاری غیرمجاز و قاچاق عتیقه‌جات نمونه‌هایی از آن به شمار می‌روند. از دیگر وندالیسم‌ها می‌توان به وندالیسم تاکتیکی، تفریحی و وندالیسم خصومت و انتقام‌جویی اشاره کرد. روان‌شناسان واکنش افراد را در برخورد با آثار تاریخی، مسائل روانی و بروز ناخودآگاه در موقعیت‌های مختلف می‌دانند. آنان اعتقاد دارند که تخریب آثار تاریخی در واقع به جنبه روانی افراد بازمی‌گردد؛ چرا که در ناخودآگاه جمعی بشر کندن و تخریب آثار وجود دارد. افرادی که از اعتماد به نفس و عزت نفس کمتری برخوردارند، با این‌گونه واکنش‌ها، چسبندگی روانی ایجاد می‌کنند. در واقع افرادی که نیازهای روانی درونی آنها ارضا نشده به محض برخورد با آثار و بناهای باستانی شروع به تخریب آنها می‌کنند. در کشور ما نیز با توجه به اهمیت میراث فرهنگی - تاریخی که متعلق به تمامی ساکنان این سرزمین است، ضرورت دارد نسبت به تدوین و تصویب قانون و مقررات ناظر بر حفظ و حراست از میراث فرهنگی کشور و بالاتر از آن، نشان دادن اهمیت ارزش‌های فرهنگی - تاریخی این‌گونه آثار به تمامی مردم اقدام شود. این در حالی است که در سراسر دنیا با تخریب‌گران اموال فرهنگی برخورد می‌شود. (کوئن، ۱۳۷۱: ۲۱۴)

۲-۴. انواع تخریب‌های رایج

۱. **تخریب اموال عمومی:** شایع‌ترین نوع تخریب در بین جوانان گروه سنی ۲۰-۲۵ سال است. این تخریب، شامل شکستن لامپ‌ها و شیشه‌ها، پرتاب سنگ به قطارهای در حال تردد، خراب کردن تلفن‌های عمومی، نابود کردن سنگ قبرها در قبرستان، تخریب علائم جاده‌ها و خیابان‌ها، صندلی اتوبوس‌ها، وسایل حمل و نقل و ... است. تخریب اموال عمومی پس از رقابت‌های ورزشی از بارزترین نوع آن است.

۲. **تخریب میراث فرهنگی و محوطه باستانی:** در این نوع تخریب، عواملی مانند جنگ و رفتارهای فردی و گروهی نقش دارند، حمله طالبان به افغانستان و تخریب

۱۴۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

عمدی آثار باستانی و تاریخی این کشور، کاوش غیرقانونی قاچاقچیان کالا و اموال فرهنگی با انگیزه دستیابی به گنج، رعایت نکردن حریم قانونی آثار باستانی در ساخت وسازهای حاشیه آن و همچنین نوشتن یادگاری با ابزار و اشیایی مانند کلید، چاقو و خودکار بر روی بناها و آثار تاریخی، از معمول‌ترین انواع تخریب میراث فرهنگی به شمار می‌روند. نمونه‌های بی‌شماری از این گونه تخریب در بناها و آثار ایرانی در سراسر ایران تحت عنوان نوشتن یادگاری یا ثبت خاطرات مشاهده می‌شود که در آن فرد تخریب‌گر با ابزارهایی که ذکر شده، با انگیزه‌های متفاوت به نوشتن یادگاری مبادرت می‌ورزد. (تصاویر ۱-۸)

۳-۴. پیشینه و انگیزه یادگاری‌نویسی

پس از پیدایش خط، انسان از آن به عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطی بهره برد. نخستین دست‌نوشته‌ها از انسان‌های اولیه بر دیواره غارها، جایگاه خط را به‌عنوان یک ابزار ارتباطی نشان می‌دهد. در طول تاریخ، انسان‌ها از علائم و انواع خط به اشکال مختلف استفاده می‌کردند چنان که خط نقش عمده‌ای در کاروان حج برعهده داشته است. کاروان‌ها به طور معمول، علائم و خطوطی را در مسیر یا کاروانسراها به جا می‌گذاشتند و با این روش تا مقصد با یکدیگر در ارتباط می‌ماندند. در فرهنگ ایرانی، در آئین کهن پهلوانی، نوشتن یادگاری با روش خالکوبی از آداب و فرهنگ مردمان به شمار می‌رفته و پهلوانان برای ثبت خاطرات پهلوانی خویش، گاه بر روی دست و پاهایشان خالکوبی می‌کردند. داشتن دفتر خاطرات برای نوشتن خاطرات سفر نیز همچنان مرسوم است، همان‌گونه که نوشتن یادگاری بر روی دیوار پادگان‌ها از جمله تاریخ اعزام و ترخیص، تاریخ دستگیری و آزادی از زندان، همچنان متداول است. خطوط بر جا مانده در زیارتگاه‌ها و امکان مقدس برای طلب حاجت نیز در برخی از حوزه‌های فرهنگی ایران همچنان رواج دارد و نوشتن در این اماکن، امری مقدس پنداشته می‌شود. بارزترین نوع نوشتن به انگیزه ثبت خاطره است که در فرهنگ کهن ایرانیان بارها به آن اشاره شده است. در سفرنامه مارکوپولو آمده است: «ایرانی‌ها به ثبت خاطرات‌شان عادت دارند. بنابراین آنها در سفرها و گردش‌های روزانه‌شان به ثبت خاطرات شرح وقایع زبانزد هستند. از گذشته در فرهنگ ایرانیان ثبت خاطرات و

مبانی تربیتی و روان‌شناسی تخریب میراث فرهنگی ❖ ۱۴۵

نوشتن شرح وقایع در سفرها متداول بوده و اینکه سفرنامه‌های ایرانی جذاب‌ترین و پرمخاطب‌ترین آثار به شمار می‌روند احتمالاً با فرهنگ ثبت و گزارش خاطره در ارتباط است». (دی جوانی رومانو، ۱۳۶۳: ۷۸)

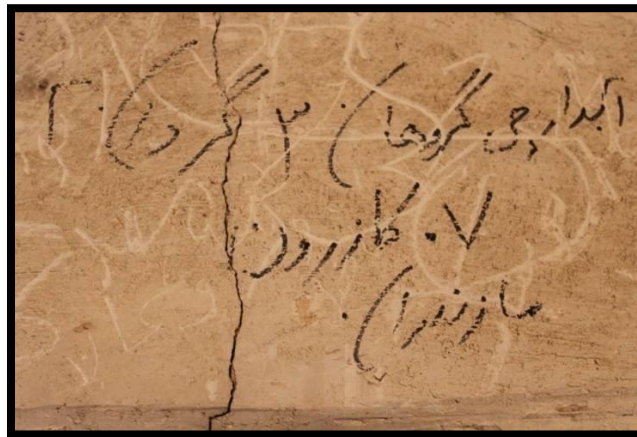
برخی از پژوهشگران، تمایل انسان به یادگاری نویسی را نشانه میل به جاودانه شدن می‌دانند و برخی دیگر به تمایلاتی چون هیجانانگیزی، جلب توجه و شهرت‌طلبی، هوس‌های زودگذر و ... مرتبط می‌شمرند. این کار از دوران کودکی و با یادگاری نویسی روی کتاب درسی، نیمکت مدرسه، صندلی اتوبوس و باجه تلفن آغاز می‌شود و با نوشتن روی دیوار، تنه درخت، سرویس‌های بهداشتی بناهای تاریخی و ... ادامه می‌یابد. ریشه این عمل در هر یک از تمایلات انسانی باشد، نباید فراموش کرد که چنین تمایلاتی فطری هستند و بخشی از وجود انسان را تشکیل می‌دهند. اما نکته مهم، انحراف این تمایلات در مسیر مخرب و آسیب‌رسان به محیط اطراف و آثار تاریخی و میراث فرهنگی است. پدیده‌ای که امروزه تحت عنوان وندالیسم از آن نام می‌برند. در واقع وندالیسم، به معنای تخریب کنترل نشده اشیا و آثار فرهنگی با ارزش یا اموال عمومی است که نوعی ناهنجاری اجتماعی به شمار می‌رود و دلایل متعددی برای آن ذکر می‌کنند حال پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا همه افرادی که روی آثار تاریخی و باستانی یادگاری می‌نویسند، دچار ناهنجاری روانی هستند؟ در پاسخ باید گفت افرادی که از آثار باستانی و میراث فرهنگی به طور عام بازدید می‌کنند به چند گروه قابل تقسیم‌اند. گروهی که با شناخت کافی و مطالعه از اماکن بازدید می‌کنند و گروهی که به صورت اتفاقی و بدون آگاهی به این کار اقدام می‌کنند. بیشتر یادگاری‌ها از سوی گروه دوم نوشته می‌شوند؛ از این‌رو، بسیاری از کارشناسان معتقدند؛ انگیزه این افراد از نوشتن یادگاری این است که تنها ردپایی از خود به جا بگذارند. بعضی از یادگارنویس‌ها گمان می‌کنند حس خوبی است که سال‌ها بعد به همان محل برگردند و نام خود را در آنجا ببینند و برایشان تجدید خاطره شود شاید هم این ماندگاری را نوعی شهرت قلمداد می‌کنند که دیگران از مکان‌های مختلف و در زمان‌های گوناگون نظرشان به نام آنان جلب شود و یا قطعه شعری را که روی یک اثر باستانی نوشته شده، بخوانند. بنابراین یادگارنویس اثرش را روی چیزی باقی می‌گذارد

۱۴۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

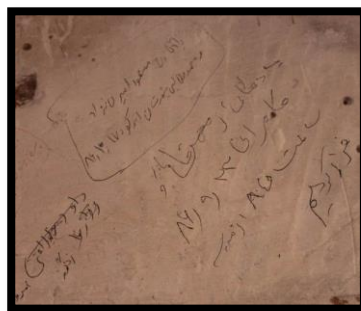
که گمان می‌کند پای‌تر از اوست. از دیگر انگیزه‌های یادگاری‌نویسی، شهرت‌طلبی است. گاه شخص یادگارنویس، برای خودنمایی مبادرت به نوشتن نام یا قطعه شعری می‌کند و تاریخ بازدید خود را زیر آن می‌نویسد. برخی از روان‌شناسان اجتماعی معتقدند که حس رقابت در این افراد، از طریق نوشتن یادگاری بر روی آثار تاریخی و فرهنگی بروز می‌کند به طور معمول، این گروه با اندیشه به دوستان و بستگان خود وانمود می‌کنند که قبل از آنها این اماکن را دیده‌اند و از این طریق به رقابت می‌پردازند. به این ترتیب، درخت‌ها، گوشه درها و اماکنی که از دید قابل توجهی برخوردار نیستند، گاه به عنوان مکان امنی برای نوشتن انواع یادگاری از جمله یادگاری‌های عاشقانه انتخاب می‌شوند. به طور معمول، بر روی درخت با چاقو یا ابزار نوک تیز اشعار عاشقانه حک می‌کنند؛ چنان که در این عمارت تاریخی که در گذشته کاربری زندان نیز داشته، نمونه‌هایی از یادگاری‌های آن دوران مشاهده می‌شود (تصویر ۱). اغلب از محتوای یادگاری‌ها می‌توان پی برد که نویسنده به چه گروهی تعلق دارد. سربازان به طور معمول تاریخ اعزام یا محل تولدشان را ذکر می‌کنند (تصویر ۲). دانش‌آموزان ضمن نوشتن مشخصات‌شان، نام محل تحصیل را نیز ذکر می‌کنند (تصویر ۳). تاریخ ورود به زندان و آزاد شدن از آن از معمول‌ترین نوع یادداشت‌هاست (تصویر ۴). گاه متأسفانه یادداشت‌هایی از فلان دانشگاه مشاهده می‌شود حتی ابیاتی که نوشتن آنها از سوی قشر تحصیلکرده دور از ذهن به نظر نمی‌رسد (تصویر ۵) و در نهایت، ابیات و یادداشت‌های عاشقانه روی درختان. به هر حال، این نوشته‌ها از هر قشر یا گروهی که باشند، تخریب میراث فرهنگی محسوب می‌شود. اما نکته قابل ذکر این است که در بین اشخاصی که هنگام نوشتن یادگاری از سوی یگان حفاظت عمارت مورد بازخواست قرار گرفته‌اند، متأسفانه اقشاری مانند معلم بازنشسته، وکیل دادگستری و کارمند نیز مشاهده شده است؛ افرادی که متأسفانه هیچ اطلاعی از تاریخچه بنا و آثار تاریخی نداشته‌اند؛ این موضوع تأملی شگرف را در پی دارد. گاه تخریب از نوشتن نیز فراتر می‌رود و در نمای بیرونی عمارت‌ها روشن کردن آتش برای گرم شدن در فصل زمستان باعث تیرگی رنگ بنا و سوختن مصالح آن می‌شود. با آنکه روزها از این ابنیه حفاظت می‌شود، گاه روشن کردن آتش از سوی خیابان‌خواب‌ها و یا گروه‌های مشابه

مبانی تربیتی و روان‌شناسی تخریب میراث فرهنگی ❖ ۱۴۷

در شب، باعث صدمه و آسیب جدی آنها می‌شود. نوع دیگری از تخریب که امروزه به ندرت مشاهده می‌شود نوشتن تبلیغات تجاری و یا تبلیغات انتخاباتی و نظایر آن بر نمای بیرونی بناهاست. رنگ‌ها به دلیل دارا بودن مواد شیمیایی، آسیب جبران‌ناپذیری از خود به جای می‌گذارند نمونه‌ای از این گونه تخریب‌ها بر دیوارهای بیرونی ارگ کریمخانی قابل مشاهده است. گستره نوشتن یادگاری در عمارت ارگ کریم‌خانی به حدی است که کارگران سازنده محوطه بر روی سنگ‌فرش‌های بزرگ آن نیز یادگاری نوشته‌اند. با توجه به تاریخچه مختصری که درباره نوشتن یادگاری ذکر شد، می‌توان پی‌برد که نوشتن یادگاری در نزد ایرانیان از سابقه‌ای طولانی برخوردار است.



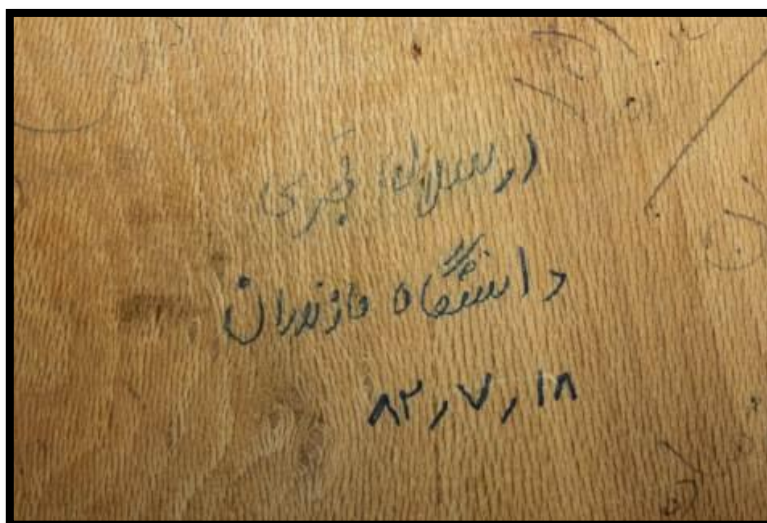
تصویر ۱. ارگ کریمخان شیراز، (عکاس: بهمن رحیمی، ۱۳۹۰)



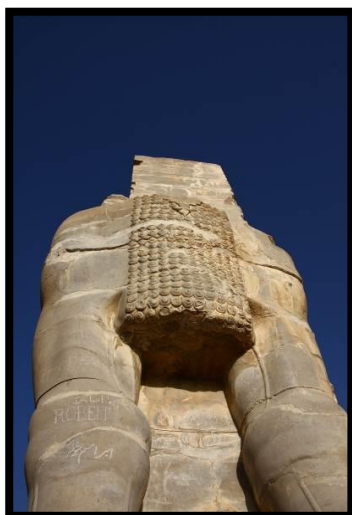
تصویر ۲. یادگاری‌نویسی در ارگ کریمخان شیراز (عکاس: بهمن رحیمی، ۱۳۹۰)



تصویر ۳. یادگاری نویسی در ارگ کریمخان شیراز (عکاس: بهمن رحیمی، ۱۳۹۰)



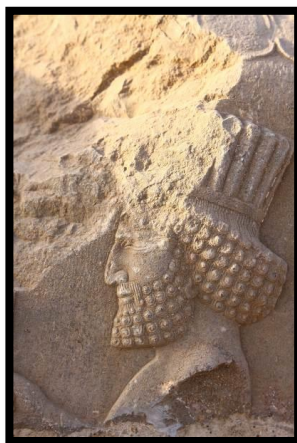
تصویر ۴. یادگاری نویسی دانشجویان در ارگ کریمخان شیراز (عکاس: بهمن رحیمی، ۱۳۹۰)



تصویر ۶. یادگاری نویسی بر روی
حجاری‌های تخت جمشید فارس،
(عکاس نینا صداقتی، ۱۳۹۰).



تصویر ۵. یادگاری نویسی بر
روی در باغ ارم شیراز
(عکاس بهمن رحیمی، ۱۳۹۰).



تصویر ۸. تخریب آثار باستانی،
تخت جمشید فارس
(عکاس: نینا صداقتی، ۱۳۹۰).



تصویر ۷. تخریب آثار باستانی،
تخت جمشید فارس
(عکاس: نینا صداقتی، ۱۳۹۰).

۵. جمع‌بندی

وندالیسم یا تخریب‌گرایی، که بیشتر به قشر جوان برمی‌گردد، یکی از مسائل اجتماعی مهم است که هم خسارات هنگفتی بر میراث فرهنگی یک کشور وارد می‌آورد و هم در برخی مواقع، زندگی اجتماعی و حتی روزمره افراد را دچار اختلال می‌کند. جامعه جهانی در یک تفکر جامع‌نگر درباره یادگاران تاریخی و فرهنگی ملل مختلف، تشکیلات و رهنمودهای مطلوبی را پیش‌بینی و ارائه کرده است. تعامل پایدار با نهادها و مؤسسات بین‌المللی با هدف تعالی هر چه بیشتر حوزه میراث فرهنگی ایجاب می‌کند که رفتارهای ما در این حوزه، دانش‌محور، هدفمند و اصولی باشد. در غیر این صورت، به عنوان یک وندالیسم دولتی در عرصه میراث فرهنگی در سطح جهانی معرفی خواهیم شد. می‌توان گفت که فقدان فرهنگ‌سازی، عمل تخریب‌گرایانه را از صورت یک رفتار غیرآگاهانه به مثابه یک ارزش گروهی به رفتاری آگاهانه بدل می‌سازد. از آنجا که نوجوانان و جوانان، بخش عظیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، تربیت صحیح و هدایت آنان با ارائه الگوهای تربیتی مناسب می‌تواند استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور اسلامی ایران را تضمین کند. با بررسی ویژگی‌های روانی افراد از کودکی، می‌توان از بروز بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری در آینده، جلوگیری کرد. در بسیاری از کشورهای اروپایی، کودکان، درسی با عنوان آموزش محافظت و آشنایی با میراث فرهنگی دارند تا در کنار آموزش، با محافظت از آثار تاریخی پرورش یابند. به عبارت دیگر، مراکز آموزشی و غیرآموزشی در راه شکوفایی استعدادهای آنان گام برمی‌دارند تا مبدا در آینده، به افرادی مخرب و دارای عقده‌های روانی و مشکلات و مفاسد اخلاقی تبدیل شوند که نه تنها اموال خود و دیگران را تخریب می‌کنند بلکه ارزش‌های ملی و مذهبی و فرهنگی کشور و جامعه را نیز زیر پا می‌گذارند و دست به تخریب آنها می‌زنند بدون اینکه در نظر بگیرند روزی آیندگان با پیروی کردن از این میراث فرهنگی، تاریخچه فرهنگی ملی و مذهبی خود را شناسایی می‌کنند و با استناد به این تاریخچه، به افتخارات ملی، مذهبی و فرهنگی خود می‌بالند.

مبانی تربیتی و روان‌شناسی تخریب میراث فرهنگی ❖ ۱۵۱

به این ترتیب، هر چه آموزش و یادآوری برای نسل‌های آینده و به خصوص نوجوانان و جوانان بیشتر باشد، در سال‌های آینده نتیجه و اثر را بیشتر خواهیم دید. اطلاع‌رسانی درست درخصوص عواقب و پیامدهای وندالیسم یا همان تخریب‌گرایی، علاوه بر کمک به حفظ و حراست از آثار اجداد و نیاکان، موجب پرورش نسلی خواهد شد که بدون هرگونه مزد یا چشم‌داشت، در راه حفظ و حراست از آثار مادی و معنوی سرزمین خود تلاش می‌کنند.

منابع

- توحیدی، افسانه (۱۳۷۹). «سوء مصرف مواد مخدر و تخریب اموال عمومی»، مجموعه مقالات سمینار اعتیاد و جوانان، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- حجت، مهدی (۱۳۸۰). میراث فرهنگی در ایران؛ سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- حسن‌بگلو، بهروز (۱۳۸۰). روان‌شناسی خانواده. تهران: سرآمد کاوش.
- خدایار، امیرمسعود (۱۳۶۷). فرهنگ واژه‌های مکتب‌های سیاسی، فلسفی، مذهبی، هنری و ادبی (ایسم). تهران: خورشید.
- دی جوانی رومانو، آنجلا (۱۳۶۳). سفرنامه مارکوپولو معروف به ایل میلیون‌ها. برگردان منصور سجادی، تهران: گویش.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۰). آناتومی جامعه. تهران: شرکت سهامی انتشار
- رفیعی، بهروز، (۱۳۹۰). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- ژانورن، پاتریس (۱۳۶۷). «وندالیسم، بیماری جهانی خرابکاری». مجله دانشمند، شماره ۶، صص ۲۸-۳۳.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
- سجادی، ژیلا؛ ضرغامی، سعید (۱۳۹۶). «سنجش و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تخریب‌گرایی (وندالیسم) در فضاهای عمومی». انتظام اجتماعی. س ۹، ش ۲، صص ۷۵-۱۰۲.

۱۵۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- سیستانی، لیلا (۱۳۷۹). «دیوارنویسی کلاس‌های دانشگاه آزاد اسلامی کرمان». پایان‌نامه کارشناسی. ایران: دانشگاه کرمان.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۸۲). آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: بدر.
- قاسمی، وحید؛ ذوالاکتاف، وحید؛ نورعلی‌وند، علی (۱۳۸۸). «توصیف جامعه‌شناسی عوامل مؤثر بر وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال». المپیک. س ۱۷، ش ۱، صص ۸۰ - ۶۹.
- قائمی، پروین؛ شاهلویی، فضل‌الله، (۱۳۷۹). روان‌شناسی بلوغ و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان. تهران: حسام.
- قنبری، ابوالفضل؛ طاهونی، مهدیه؛ قادری، ناصر (۱۳۹۵). «بررسی عوامل تأثیرگذار بروز وندالیسم در مبلمان شهری (مطالعه موردی شهر تبریز)». پژوهش‌های جغرافیایی و برنامه‌ریزی شهری زمستان. ش ۴، صص ۵۸۶ - ۵۶۹.
- کوئن، بروس (۱۳۷۱). درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: معاصر.
- لغت‌نامه آکسفورد (۱۹۸۷). انگلستان: دانشگاه آکسفورد.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۹). «مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته‌های یک تحقیق». نامه علوم اجتماعی. ش ۱۶.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). وندالیسم، مبانی روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی و کژرفتاری اجتماعی. تهران: آن.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ لغت معین، تهران: زرین.
- مقصودی، سوده (۱۳۸۳). «تحلیل محتوای دیوارنویسی‌های کلاس‌های درس دانشگاه شهید باهنر کرمان»، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۱۳، صص ۲۹۰-۲۶۷.